

[1396/04/27]

جلسه: 76 صورت مشروح مجلس يوم يكشنبه دهم عقرب 1303 مطابق چهارم ربيع الثاني 1334

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره 5

جلسه: 76

صورت مشروح مجلس يوم يكشنبه دهم عقرب 1303 مطابق چهارم ربيع الثاني 1334

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر به ریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه هفتم عقرب را آقای اقبال الملک قرائت نمودند

نایب رئیس- آقای صولت السلطنه

(|حازہ)

صولت السلطنه- بنده اجازه داشتم مرا جزء غاسین بی اجازه نوشته اند.

نائب رئیس- تحقیق، می شود. آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(|حازہ)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم.

نائب رئیس - آقای میرزا بدالله خان

(|حازہ)

میرزا بدالله خان- بنده در صورت مجلس عرضی ندارم.

نایب رئیس- در صورت مجلس مخالفی نیست؟

(گفته شد- خبر)

نایب رئیس- صورت مجلس تصویب شد.

آقای مدرس

(اجازہ)

مدرس- امروز مبنای بنده بر این است که یک تذکری به آقایان وکلاء نمایندگان بدهم نسبت به اوضاع خودمان که ما صد نفر که اینجا جمع می‌شویم یک حالت خاصه داریم، یک وضعیتی داریم، می‌خواهم تذکر بدهم که ما چه‌ایم و چه کاره‌ایم و تکلیفمان چیست نسبت به خودمان و نسبت به وضعیت مملکتی که این نمایندگان نمایندگان آن مملکت هستند و نکته این که با این حال ضعف به این خیال افتادم و حال آن که چیز تازه نیست شاید مطالبی عرض کنم که همه نمایندگان کاملاً ملتفت باشند. این است که اگر بعد موفق نشوم اداء تکلیف و اداء وظیفه خودم را که یک نفر از آقایان و از نمایندگان هستم عرض کرده باشم، اصل عرض بنده این است که به عقیده خودم به آقایان تذکر بدهم که این وضعیت حالیه که این مملکت سرتاسرش دارد از صد و پنجاه سال تا به حال همچو وضعیتی نداشته است، تقریباً از زمان دولت افشاریه تا به حال که امروز باشد مملکت ایران چنین وضعیت ناگواری نداشته است این مدعای من است. یک عمرهایی این مملکت و سایر قطعات دنیا و نقطه‌های مختلفه دنیا اداره می‌شد با اراده شخصی یک نفر هر قطعه از قطعات، دنیا، یک قطعه دنیا هم این ایران شما بود که شما نمایندگان اهالی آن هستید اراده شخصی در امورات نوعی و امورات اجتماعی حکمفرما بود.

آن اشخاص هم مختلف بودند بعضی اراده داشتند، بعضی اراده ضعیف داشتند بعضی عیاش بودند، بعضی بفکر مردم بودند، بعضی نبودند، اشخاصی مختلف بودند، لکن هر قسمتی از زمان یک قسمتی از مردم این مملکت خیالشان راحت بود، یکی مقدس بود یک قسمت از مقدس‌ها خیالشان راحت بود، یکی خیلی لالایی بود یک قسمت از لالایی‌ها راحت بودند، یکی عطا داشت یک قسمت از اهل عطا راحت بودند اینها وضعیات ارادی بود، وضعیات غیرارادی اتفاقی و طبیعی هم بود مثلاً گاهی گرانی می‌شد مثل گرانی هشتاد و هشت یک قسمت از مملکت حاصل عمل آمده بود یک قسمت عمل نیامده بود یک قسمت فقیر بودند یک قسمت نبودند یک قسمت راحت بودند یک قسمت نبودند وبا و طاعون می‌آمد یک قسمت راحت بودند یک قسمت نبودند جنگ عمومی می‌شد شربطش این است شاهزاده (مقصودشان سلیمان میرزا بودند) هم گوش بدهند حاج عزالمالک نمی‌گذارد، **حاج عزالمالک**- بنده گوش می‌دهم.

مدرس- جنگ عمومی می‌شد یک قسمت از مردم ناراحت بودند ولی من و شاهزاده از بین آنها عبور می‌کردیم مقصود عرض این است که شاید شماها از تاریخ ابصر باشید (همین طور هم هست) و بنده یک مسموعاتی داشته باشم. عقیده من تحت مسموعات خودم یا آنچه در کتابها من باب اتفاق دیده‌ام باشد این است که در صد و پنجاه سال این قرون اخیر هیچ وقت وضعیت تمام ایران من حیث تمام ایران مثل امروزه ما نبود. یک گرفتاری خیال و یک ناراحتی امروز در سرتاسر ایران حکم فرماست غیر از خودم که خیالم راحت است

نجات- اینطور نیست، بی انصافی می کنید.

مدرس- تقصیر کیست، مگر من می گویم تقصیر کیست که تو حرف می زنی، سر مقصر که آمدم آن وقت حرف بزنی. من مقصر را نگفتم حیف نیست؟ عرض کردم یک دفعه قسمتی آسوده بودند قسمتی نبودند.

دعوی من این است که امروز تمام ایران علی نهج واحد کسی راحتی خیال و آسایش ندارد و این وضعیت امروزه که در تمام ایران علی نهج واحد هست در این صد و پنجاه سال سابقه ندارد. تاریخ داریم. اوضاع داریم جنگ داریم. این دعوی من است. وقتی که من سر مقصر آدم آن وقت حرف بزنید. هر چه می‌خواهید بگوئید صاحبش را پیدا کنید. استبداد طول کشید تا بیست سال قبل که با اشخاص منورالفکر از داخله مملکت به خیال افتادند که امورات اجتماعی این مملکت از اداره شخصی خارج شود و اراده اجتماعی شود و نسبت به این مسئله هر عاقلی که به درجه اول عقل باشد تصدیق می‌کند که اداره کردن امور شخصی با اراده اجتماعی اقوی و اقل است تا اداره کردن امور شخصی با اراده شخصی. این مسئله از بدیهیات است که اگر من در امورات شخصی خودم مشورت کنم و امورات شخصی خودم را با مشورت اداره کنم اقوی و اقل است تب به اراده شخصی چه رسد به امور اجتماعی و این مسئله از بدیهیات است استبداد و مشروطه هم اصلاً با هم مناسبت ندارد که بگویند این بهتر است یا آن. این یک تباین است و تباین ضد با ضد. نمی‌شود گفت مشروطه بهتر است یا استبداد. اگر منورالفکرهای خودمان به این خیال افتادند که خوب کردند اگر هم دست غیبی با این خیالشان انداخت خوب بوده غیر خوب از هر کسی برسد خوب است. لهذا ولو این که حقاً تغییر وضع با فراهم نشدن زمینه و اسباب و استعداد موجب ضعف است (ان الملوك اذ ادخلوا قرية افدوها و جعلوا اغره اهلها اذله) تغییر وضع با عدم فراهم بودن استعداد اسباب ضعف است و در

+++

ایران هم استعداد و زمینه برای تغییر وضع استبداد به مشروطه فراهم نشده بود ولی از آنجا که جمله اهل ایران که شرقی و بالخصوص مسلمان هستند بر آرامی و بر حد وسط و خارج از افراط و تفریط است از این جهت هم ضرر نکردند با این که زمینه فراهم نبود و استعداد تدارک نشده بود به واسطه این دو خلق که یکی شرقی بودن است که مقتضی است موذی نباشد و این از خواص آثار شرقی بودن است که ذاتاً موذی نیست و یکی عقیده اسلامیت. با این که زمینه مشروطه حاضر نشده بود بحمدالله تغییر وضع بر ما ضرری نکرد در این ده هجده سال به یک مشی حرکت شد و حرکت کردند و بنده بلااستثناء همه مشروطه‌چی‌ها را خوب می‌دانم یعنی تقصیر نکردند که ضرر بمملکت وارد کنند بلی قدم‌هایی پیش نرفتند یک خدمت‌های عالی نکردند. یک اصلاحات فوق‌العاده نکردند لیکن الحق و الانصاف ضرری هم در این چند سال به مملکت وارد نکردند. شاید این عقیده شخص بنده باشد هر وقت به فکر مرحوم ناصرالدین شاه می‌افتم طلب مغفرت می‌کنم اما تأسف می‌خورم که کاش مروراً به حالت خرابی گذارده بود خاک خراب قابل آبادی است ولی وقتی زمین نیست آبادی را کجا باید کرد.

این هجده سال که مشروطه بود گرچه نتوانستیم قدم‌های اصلاح خوب برداریم ولی الحمدالله ذره هم خاک خراب را از دست ندادیم انشاءالله هر وقت رجال مملکت مردمان وطن‌خواه موفق شدند هر جا هم خاک خراب است آباد می‌کنند.

در سفر مهاجرت وقتی که دفعه دوم برگشتیم از بین‌النهرین آمدیم به قصر (بعضی از آقایان که بودند تشریف آوردند) تا ماهی دشت جایی که زیرش بنشینیم ندیدیم.

نجات- کی خراب کرد؟

مدرس- روس‌ها لیکن شاگرد بودیم که خاک خراب باقی است.

حالا همه ساخته شده است. عرض بنده این است که اصولاً در این چند سال مشروطه یک خرابی وارد نشد بلکه اصول محفوظ ماند و اگر صد گونه اختلاف داشتیم در اصل و مرام متفق بودیم و گمانم این است که از این جهت هیچ کدام از هم دیگر ملالت و کسالتی نداشته باشیم و نداریم.

حالا ادارات یک قدری در این چند سال یعنی در این ده پانزده سال رفت از صورت اراده شخصیه مرحوم استبداد باراده اجتماعی در بیاید شکلاً. حالا از خودم می‌گویم بنده در زمان استبداد هم آخوند بودم تازه آخوند نشده‌ام به من مراجعه می‌کردند اگر خوب بودم خوب مراجعه می‌کردم اگر بد بودم بد مراجعه می‌کردم چیزی می‌نوشتند می‌بردند دارالحکومه پولی از آنها می‌گرفتند می‌گفتند بلی حکم آقای حجت‌الاسلام است باید اجرا شود اگر پول نمی‌دادند می‌گفتند برو فردا بیا برو پس فردا بیا و به همین طریق او را سر می‌دواندند این ترتیب جریان استبداد بود و اگر غیر از این هم بود استبداد معنی نداشت آمد زمان مشروطه خوب می‌آیند پیش من می‌گویم بابا باید بروید عدلیه عارض شوید از انجا ارجاع کنند آخر ترتیب اجتماعی شده است می‌رفتند و می‌آمدند دو سه مرتبه از اینجا به آنجا و اراده اجتماعی در یک کار شخصی مداخلت پیدا می‌کرد. از باب مثل است عرض می‌کنم که از اراده شخصی و استبداد بیرون آمد و اداراتی هر کدام به یک اسم یکی وزارت داخله یکی اداره کجا. یکی اداره کجا. هی اداره درست کردیم معنی اراده اجتماعی هم این است بنده به عقیده خودم با وجود انکار اشخاص مناسب این وضع کاملاً به قدر کفایت پیدا نشدند. تربیت نشده بودند. به غیر از اطباء که آقای امیر اعلم اوقاتشان تلخ نشود آنها به قدر کفایت تربیت پیدا شدند ولی دریافتی ادارات به قدر کفایت پیدا نشد و در ادارات اراده اجتماعی که معنی مشروطه بود کاملاً به جریان نیفتاد. آقا بنده عقیده‌ام بر این است که با این بی‌بصاعتی هم باز پر عقب نماندیم. البته امورات تدریجی است ولی من گمانم این است آن دست غیبی که همراه بود که ما مشروطه شویم از این مشروطه خیر ندیده جسارت به لاف‌لی دست غیب نمی‌کنم زیرا ایشان دو دوره است وکیل‌اند و انشاءالله تا آخر عمرشان هم وکیل خواهند بود. چون عرض کردم و اول عذر خواستم مزاحم خیلی کاهیده شده است مجبوریم آنچه در قلم است عرض کنم که اگر عمرم وفا نکرد با شماها هم عقیده باشم و یک تذکری باشد برای شما که یک روز رفیق ما در مجلس اینطور گفت من خیال می‌کنم آن نظرهایی که در تغییر وضع (که قهراً ضعف‌آور است) از ما داشتند به آن امیدها موفق نشدند آمدند مثلاً قرارداد درست کردند. دستی از غیب برون آمد بر سینه نامحرم زد و هکذا و هکذا. التیماتوم کردند خاطر آقایان است بعضی از آقایان در آن دوره وکیل بوده‌اند و در همین مجلس بوده‌اند با آن اوضاع ناگوار. اگر خود یکی از آنها نبودم عرض می‌کردم خیلی مردمان مستقیمی بودند. مشروطه نرسیده. وکلای نرسیده و دولت‌های رسیده التیماتوم رسیده بکنند و این نارسیده‌ها مقاومت کنند البته در آتیه.

اگر چه حالا نه وکیل قدر وکیل را می‌داند نه ملت قدر موکل را می‌شناسد لیکن در یک زمان‌هایی که بخواهند بفهمند ملتفت می‌شوند که آنها یا عقیده سیاسی‌شان خیلی محکم بوده یا عقیده وطن‌خواهی‌شان خیلی محکم بوده یا عقیده دیانتی‌شان خیلی محکم بوده یا همه عقایدشان خیلی محکم بوده که در مقابل آن فشارها استقامت کردند. چیزی که ما را به این روزگار امروزه انداخته است آن کارها و استقامت‌های آن روزی است (بعضاً از نمایندگان صحیح است) بنده خیال می‌کنم هر کس متن قرارداد را مطالعه کرده باشد چون من اهل سیاحت نبودم مرور نمی‌کردم اگر چه یکی از مخالفینی بودم لیکن هر چه می‌گفتند که این قرار

داد کجاش بد است می گفتم من سر در نمی آورم من سیاسی نیستم من آخوندم فقط چیزی که می فهمم بد است آن ماده اولش است که می گوید ما استقلال ایران را می شناسیم (خنده نمایندگان) این مثل این است که یکس به من بگوید من سیادت تو را می شناسم. هی به من می گفتند جهت مخالفت شما چیست کدام یک از موادش بد است ما آن را تغییر بدهیم می گفتم من سیاسی نیستم نمی دانم ما رجال سیاسی خیلی داریم باید به آنها رجوع کرد ولی با این که سیاسی نیستم و سر از این کارها در نمی آورم این یکی را می فهمم بد است لیکن اگر یکی خوب غوررسی می کرد و روح آن قرارداد را می فهمید دو چیز استنباط می کرد و او این بود که ایران تمامش مال ایرانی است مالش. حالش. حیثیتش چه اش چه اش همه چیزش متعلق به ایرانی است فقط این قرارداد در دو چیزش دیگری را شرکت می داد یکی پولش یکی قوه اش. این روح قرارداد بود اختصاص به ما هم ندارد متحدالمال در تمام دنیا است و همانطور که عرض کردم اهل ایران با وجود این که خارج از سیاست و با وجود این که آشنا به سیاست نبودند الحق و الانصاف بالطبع مخالف بودند نه این که یک زیدی مثلاً بگوید من مخالف بودم من مخالفت کردم. حسن مخالفت کرد. حسین مخالفت کرد. خبر عمده طبیعت ملت بود که مقاومت کرد قوه ما طبیعت ملت است که می تواند مقابلی با هر چه بکند و با هر تهاجمی مقابله کند (نمایندگان صحیح است) مجلس شورای ملی که عبارت از صد نفر وکیل اند همه وطن خواه. همه صاحب عقیده محکم. همه اسلامی. همه سیاسی ولی در صورتی مقاومت با دنیا می کنند که بالطبع ملت با آنها موافق و پشتیبان آنها باشد من یک نفر از شماها هستم و اینجا در حضور آقایان صحبت می دارم می گویم و امیدوارم موافق عقیده خودم هم بگویم که اگر تمام دول دنیا بر خلاف من باشد و قلوب مردم بالطبع با من باشد من به تنهایی مقاومت می کنم چه جای این که صد نفر وکیل هم عقیده باشد. پس قوت ما توجه قلوب عامه است. در حقیقت همین طور که عرض کردم آن قرارداد که روحش این دو مسئله بود در حقیقت یک قسمتی بود و برای این که آزرده نشوید نظیر آن قسمت گریه براق و استر چموش بود قرارداد هم یک همچو قسمتی بود که استر چموش مال دیگری و گریه براق مال خودمان و حقیقه نفس الامر ملت ایران نخواستند بدهند. من خیال می کنم به این چیزها و به این حوادث منورالفکرهای چندان از مشروطه چیزی ندیدند بعضی افسرده شدند بعضی ملول شدند. بعضی را کنار گذاشتند و آن قسمی که باید منورالفکرها روز به روز در تزیاید باشند و حرکت عشقی بکنند مثل اول تصدیق بفرمایید نکردند آن عشقی که روز اول داشتیم بنده خودم بلی خودم را می گویم بعضی از رفقا را اگر مثل آن روز که توکی چله زمستان و برف یک ذرع دو ذرع من، بعضی از آقایان که حاضرند سفر کردیم حالا اتفاق بیفتد آن عشق را شاید نداشته باشیم. خیلی از آقایان تشریف دارند به خاطر بیاورید اوضاع آن روز را حمله استرآباد محمدعلی میرزا و سالارالدوله و آن وضعیات که سی هزار ترکمن آمدند تا هفت هشت فرسخی طهران و عده مجاهدین که به سیصد نفر نمی رسد قوه ما بود در همین اطاق و آن اطاق شب و روز ایستادگی می کردیم آن عشق در من و شما هست؟ گمان نمی کنیم و کیف کان مقصود بنده این است که مقاومت کردیم مملکت را نگاهداری کردیم آسوده اجتماعی را که حقیقت مشروطه است نگاهداری کردیم کارها را اداره کردیم اما می خواهیم عرض کنم هر چه می خواهید بگوئید بگوئید امروز اثری از آن مشروطه نیست.

(همهمه نمایندگان)

خیال می کنم شما از کسی ملاحظه دارید به خدایی که مرا خلق کرده است من سردار سپه را از همه شما بیشتر دوست می دارم این حرفها را بگذارید این جا مسئله حساب است سفره را پهن کنید ببینم در سفره چیست می خواهیم بفهمیم که امروز وضعیات مملکت ما وضعیات ما که این جا نشسته ایم و وکیلیم نسبت به این مملکت چه وضعیاتی است؟ اداره مشروطه ما کدام اداره است؟ این مجلس ما مشروطه است؟ آن اداره مشروطه ما کدام است؟ حالا بنده آمدم این جا گفتم بلدیہ چرا دکانها را خراب کرد

+++

البته بلدیہ باید خانه را خراب کند خابان را وسیع کند. چنار را کجا بکارد منار را چه کند البته خیابان باید وسیع باشد عابریں راحت باشند. اما بلدیہ مشروطه نه بلدیہ که تا که صبح بگویند خراب کن شام همه جا را خراب کنند در این چله زمستان که معلوم نباشد خاکش کجا ریخته شود و گلش چطور شود و هكذا فعل و تفعل

جمعی از نمایندگان- داخل دستور شوید.

نایب رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب.

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- داخل دستور که شدیم عرض می کنم.

نایب رئیس- خبر کمیسیون عدلیه مطرح است.

نجات- این مذاکراتی که شد چه بود خوب است اجازه بدهید جواب بدهیم این چه ترتیبی است به یکی اجازه می دهید به دیگران اجازه نمی دهید.

نایب رئیس- آقایان اظهار می کنند داخل دستور شویم.

نجات- اظهاراتی شده است که مشروطه نیست مشروطه چه ربطی به قحطی دارد که در طهران

نایب رئیس- آقای حاج عزالممالک

(اجازه)

حاج عزالممالک- بنده پیشنهاد می کنم داخل دستور شویم.

نایب رئیس- مخالفی نیست.

(گفته شد- خیر)

نایب رئیس- لایحه وزارت عدلیه راجع به اختیارات کمیسیون عدلیه قرائت می شود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره 8858 دولت را راجع بایه جازه اجرای قوانین پس از تصویب کمیسیون مورد دقت نظر و مطالعه قرار داده و با مختصر اصلاحاتی ماده واحده ذیل را تقدیم و تصویب آن را با قید فوریت تقاضا می نماید.

ماده واحده- وزیر عدلیه مجاز است کلیه قوانین را که در دوره پنجم تقنینیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا می نماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود تکمیل و ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید.

نایب رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب.

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- بنده می‌خواستم عرض کنم ما وکیل در توکیل نیستیم اگر در نظامنامه انتخابات چنین چیزی هست که ما وکیل در توکیل هستیم بنده هم حرفی ندارم خوب است به بنده هم نشان بدهند.

ما نمی‌توانیم یک قوانین را که نمی‌دانیم آنها چیست رأی بدهیم به کمیسیون برود و علی‌العمیا در آن رأی داده شود. ما وکیل شده‌ایم که قوانین از نظر ما بگذرد و بعد هم مطابق قانون اساسی به نظر طراز اول برسد اگر مخالفت با شرع نداشت آن وقت به موقع اجرا گذارده شود طراز اول که از بین رفت **(همه‌همه بین نمایندگان-)** اینطور نیست) بنده که وجود خارجی برای طراز اول نمی‌بینم.

یک نفر از نمایندگان- آقای مدرس که تشریف دارند.

حاج میرزا عبدالوهاب- بلی آقای مدرس به سمت طراز اول نیستند عجلتاً به سمت وکالت اینجا تشریف دارند و الا طراز اولیشان را می‌دانم.

نایب رئیس- خوب است مذاکره بین‌الاثین را موقوف فرمائید.

حاج میرزا عبدالوهاب- عرض می‌کنم این حق واقعی نمایندگان که باید یک یک قوانین مجلس بیاید و از نظر آنها بگذرد از آنها سلب می‌شود از این جهت بنده مخالفم و رأی به این مسئله نخواهم داد.

شریعت‌زاده مخبر کمیسیون عدلیه- اگر چه مستفاد از مجموع اظهارات آقای حاج میرزا عبدالوهاب دو چیز است یکی اعتراض به عنوان وکالت در توکیل و دیگری مسئله هیئت نظار ولی بنده لازم می‌دانم قبل از این که توجه ایشان را به وارد نبودن این دو اعتراض جلب کنم توضیح مختصری عرض کنم.

مجلس شورای ملی در نتیجه یک قضاوتی که مکلف است به وضعیات دنیا بکند مسئولیت خودش را در اداره امور مملکتی باید انجام دهد.

از این نقطه نظر آقایان نمایندگان محترم همه طرفدار یک سلسله از اصلاحاتی هستند که وسیله اصلاح امور مملکت است و این مسئله هیچ تردیدی ندارد که بنده محتاج باشم به طور تفصیل در این خصوص توضیحاتی بدهم ولی همین قدر عرض می‌کنم که مهمترین مسائلی که در دنیای فعلی یک ملتی را به سعادت سوق می‌دهد مسئله امنیت قضایی است. امنیت قضایی هم یک چیزی نیست که ما فقط بگوئیم داریم یا خواهیم داشت بلکه عملی شدن آن این است که مطابق ترتیباتی که تشکیلات مملکت و بالاخره سوابق مملکت اقتضا دارد به آنها اقدام شود و حوایج قانونی مملکت مرتفع گردد. در این مسئله اگر چه لازم است و دلایل و عللی که متحتم می‌دارد این مطلب را عرض کنم ولی به طور کلی اشاره می‌کنم و توجه آقایان نمایندگان را به مشکلاتی که دولت حاضره مواجه با آن است جلب می‌کنم با یک عده از آقایان محترم در خارج مذاکره کرده‌ام حتی در ضمن توضیحات که در خارج به حاج میرزا عبدالوهاب داده‌ام ایشان متقاعر شدند که توضیحات خودشان را در مجلس مختصر کنند و همین کار را هم کردند و خیلی متشکر شدم.

آقایان نمایندگان محترم می‌دانند یک سلسله از لوایح قانونی برای اجرای یک مقصود خیلی مهمی وجود آنها برای مملکت ضروری است در این باب یعنی در کلیات دیگر عرض نمی‌کنم و می‌پردازم بدو اعتراض ایشان قسمت اول که مربوط است به وکالت در توکیل بنده نمی‌دانم به چه مناسبت این عنوان در اینجا شد مجلس شورای ملی که حاکمیتش در اداره امور مملکت محل تردید نیست در دوره سابق بر طبق احکام قانونی این مسئله را عملی کرد و البته مصلحت مملکت هم همین بوده است. مملکتی که می‌خواهد امنیت قضائیش را تأمین کند باید تصریق کرد برای عملی شدن قوانین بهتر این است به همین ترتیب باشد زیرا در نتیجه اجرای این ترتیب این قوانین به موقع اجرا گذارده می‌شود و اگر نواقصی بنظر بیاید تکمیل می‌شود و بالاخره در این دوره یا دوره دیگر مجلس شورای ملی خواهد دید که دولت بعد از آزمایش آنها یک قوانین خیلی مناسب بی‌نقصی را پیشنهاد خواهد کرد.

البته نباید تردید کرد که عجلتاً به همین دلائلی که عرض کردم و نظر به سوابقی که از دوره دوم بعد در مجلسی بوده و همیشه به کمیسیون‌ها اختیار داده شده است و مملکت از این جریانات خیلی استفاده کرده است باید این سابقه را که مخالف با هیچ قانونی هم نیست تقویت کرد.

کاررونی- مخالف با قانون اساسی است.

مخبر- قسمت دیگر که مربوط است به عنوان هیئت نظار این مسئله بود که سابقاً طرح شد به شعب رجوع شود و ما نعته الجمع هم نیست به علاوه مجلس و هیچ یک از آقایان نمایندگان محترم نباید این مسئله را از نظر مخو کنند که مسائل مربوطه راجع به فوه قضائیه مملکت به هیچ وجه من‌الوجود مربوط به یک موضوعی نیست که سابقاً هم تحت مذاکره آمده است علاوه بر این بنده در مجلس یک افراد خیلی لایق مثل حضرت آقای مدرس را می‌بینم که اگر هم فرض کنیم یک آقایانی به عنوان طراز اول بیایند هیچ معلوم نیست درجات و مراتب علمی آنها بیش از ایشان باشد و در این صورت بنده هیچ مانعی نمی‌بینم که در این باب مجلس تصمیمی اتخاذ کند و حوایج فعلیه مملکت را که مجلس هم گرفتار آن است رفع کند و بعد هم راجع به هر وظیفه که داریم همه ماها موافقم که ترتیبی در آن باب داده شود

(بعضی گفتند-) مذاکرات کافی است

نایب رئیس- در این راپورت کمیسیون فوریت شده باید قبلاً راجع به فوریت رأی گرفت و بعد در اصل موضوع مذاکره بشود. عجلتاً باید در فوریت مذاکره شود آقای میرزا سید احمد بهبهانی با فوریت مخالف هستید؟

بهبهانی- خیر

نایب رئیس- آقای عراقی با فوریت مخالفید؟

حاج آقا اسمعیل عراقی- هم با اصل موضوع هم با فوریت مخالفم.

نایب رئیس- راجع به فوریت مذاکره بفرمائید.

عراقی- یک لایحه که در اصلش در مجلس بین آقایان نمایندگان اختلاف شدیدی است و بعضی با اصل آن مخالف هستند چطور می‌توانیم فوراً فوریتش رأی بدهیم پس از این که در خود این لایحه در مجلس شور شد آن وقت شما می‌توانید بغوریتش رأی بگیرید ولی حالا نمی‌شود رأی به فوریت گرفت.

نایب رئیس- آقای طهرانی موافقید با فوریت؟

آقا شیخ محمدعلی طهرانی- بنده هم در اصل لایحه و هم با فوریتش موافقم آقایانی که اینجا نشسته‌اند نمی‌دانند هزاران جانی در مملکت با این که در محکمه جنحه و جنایت محکوم شده‌اند تمیز داده‌اند و به واسطه نداشتن قانون تمیز رأی نداد و گفت

چون موادی در دست من نیست که نقض یا ابرام کنم الان قاتل راست راست در مملکت راه می‌رود و بدون این که کسی متعرض او باشد چرا؟ به جهت این که حکم وقتی نقض و ابرام می‌شود که برای هر موضوع قانون شده باشد پس بنابراین در موضوع فوریت این لایحه بنده عقیده دارم در صورتی که ما می‌خواهیم مملکت را به صورت تمدن و قانونی دریاوریم باید تمام کارها را کنار بگذاریم و قانون بنویسیم و به دنیا ثابت کنیم که ما یک مملکت متمدن قانونی هستیم

(**بعضی گفتند**- مذاکرات کافی است. **بعضی می‌گفتند**- کافی نیست)

نایب رئیس- نسبت به کفایت مذاکرات کسی مخالف است.

کاررونی- بنده مخالفم.

نایب رئیس- بفرمائید.

آقا میرزا علی کاررونی- بنده بایستی دلایلی عرض کنم که مذاکرات در فوریت کافی نیست و خارج از موضوع هم حرف نمی‌زنم عرض می‌کنم این مسئله مسئله مهمی است که تمام خیرها و شرهای عملیات جامعه مبتنی بر این قسمت است و

+++

در سایه این مسئله به تمام امورات ما بایستی اداره شود و آن وقت در یک همچو مسئله مهمی به محض این که یک نفر به طور اختصار موافقت کرد فوری می‌گویند مذاکرات کافی است در صورتی که این مسئله بایستی به دقت ملاحظه شود و هر کس عقیده خودش را اظهار بکند.

نه این که یک اکثریتی که عقیده دارد یک رای را بدهد و بگذرد و برود پی کارش آن وقت هر چه خواهد شد بشود. بنده عقیده‌ام این است که باید اجازه داد که در فوریت و عدم فوریت آقایان عقیده‌شان را اظهار کنند.

نایب رئیس- رأی می‌گیریم به کفایت.

حاج عزالمالک- بنده اخطار دارم.

نایب رئیس- بفرمائید.

حاج عزالمالک- بنده در اصل موضوع موافقم ولی باید رعایت نظامنامه هم بشود ماده 74 می‌گوید:

(در موقعی که لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد می‌شود وزراء یا صاحب طرح یا یکس از نمایندگان میتواند از مجلس تقاضا نماید که فوری بودن آن را تصدیق نماید) سابقه هم تا حالا این طور بوده کدام ماده نظامنامه می‌گوید در فوریت باید حرف زد؟ و الا بنده در فوریت و اصل موضوع موافقم.

نایب رئیس- در خود لایحه اگر توجه بفرمائید کمیسیون تقاضای فوریت کرده است ولی در قسمت اول چون آقای حاج میرزا عبدالوهاب وارد کلیات شدند بنده دو قسمت ثانی که آقای عراقی و آقای بهبهانی می‌خواستند صحبت کنند اظهار کردم که اول در فوریت مذاکره شود و بعد از آن که فوریت تصویب شد آن وقت وارد خود لایحه می‌شویم این است که بر حسب تقاضای خود کمیسیون داخل در فوریت شدیم. رأی می‌گیریم به کفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می‌دانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس- معلوم می‌شود کافی است رأی می‌گیریم به فوریت لایحه آقایانی که فوریت لایحه را تصدیق می‌کنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس- تصویب شد حالا خود لایحه مطرح است.

آقای بهبهانی

(اجازه)

آقا میرزا سید احمد بهبهانی- گذشته از این که قانون اساسی حق می‌دهد به هر یک از وکلا به این که در قوانین موضوعه نظر داشته باشند علاوه بر این قوانینی که می‌گذرد به موجب قانون اساسی و به موجب نظامنامه‌هایی که نوشته شده و سابقه‌هایی که اعمال شده قوانین باید رسماً در مجلس بیاید و اگر در یک مواقعی هم یک مواد موقتی لازم بود که همیشه آن مواد موقتی را هم در مجلس می‌گذراندند و به عنوان موقتی اعمال می‌کردند. خصوص این که قوانین از قبیل قانون عدلیه و غیره که فوق‌العاده اهمیت دارد و باید هم مقتضیات نظریات شرعی ملحوظ شود و هم مقتضیات نظریات سیاسی در او ملاحظه شود به این جهت است که خیلی اهمیت دارد و بنده تصور می‌کنم که این قانون باید از مجلس بگذرد و مجلس باید رأی بدهد نه این که یک کمیسیونی هر چه به نظرشان رسید آن قانون را عملی و اجرا کنند و برای این که مذاکره می‌کنند و یک فوریتی برای این قضایا تصور می‌شود بنده تصور می‌کنم که فوریت این کار از طرف آقایان نمایندگان نشده اگر دولت با آقایان نمایندگان فوریت این لایحه را تصور می‌کنند باید زودتر به مجلس آورده باشند و زودتر هم تقاضای فوریت کرده باشند و مجلس هم این کار را مقدم بر کارها بدانند. تا یک قانون صحیحی نوشته شده و مراتب قانونی خودش را هم سیر کرده باشد و این که می‌گویند در این قضیه و این ارجاع یک امتحاناتی ملاحظه شود که بعضی از مواد را ملاحظه کنند عملی هست یا نیست. آن وقت یک قانونی از روی صحت نظر به مجلس بیاورند بنده تصور می‌کنم هر قانونی و هر ماده قانون وقتیکه در خارج عملی نشد و در خارج عیوبی پیدا کرد و در عمل محتاج به یک جرح و تعدیلی در او شدند وقتی جمیع مراتب قانونیش را هم سیر کند هیچ مانعی ندارد از این که بیاید در مجلس و تغییر داده شود. خصوص قانون عدلیه که مبتلا به عامه مردم است یعنی همه طبقات مردم مبتلا به آن هستند و مثل قانون مالیه نیست که فقط متمولین و اشخاصی که ملک دارند مبتلا باشند این قانون قانونی است که از وضع و شریف به آن مبتلا هستند و این قانون باید یک مقام قدسی و اقدسیتی نسبت به خودش جلب کرده باشد. یعنی به مجرد این که گفتند این قانون قانون عدلیه است باید جالب جمیع انظار باشد و مطاعبت داشته باشد نسبت به تمام عقاید و انظار ما می‌بینیم که سابقه این مجلس در دوره دوم این بود که یک قانونی به عنوان قانون موقتی عدلیه نوشته شد و آن قانون هم تا الان در جریان است و با این که (آنها) که لازم هم می‌دانند نظر طراز اول را طراز اول وقت هم در آن نظر داشته و امضاء کرده است. معذک چون قانون به عنوان قانون موقتی و از کمیسیون گذشته است می‌بینیم که آن تقدیس و اقدسیتی را که باید داشته باشد و انظار را جلب کرده باشد ندارد. علاوه بر این در اغلب از موادش چون در مجلس مذاکره نشده یکی می‌گوید صحیح نیست یکی می‌گوید برخلاف مقتضیات نوشته شده و هر کس یک عیوبی در این مواد تصور می‌کند و هنوز خیلی از موادش هم اجرا نشده است و از آن سال تاکنون هم با این که مجالس عدیده تشکیل شده می‌بینم که نواقص آن قانون هنوز به مجلس نیامده که آن نواقص اصلاح شود. بنابراین نمی‌شود اطمینان پیدا کرد که اگر آن قانون نواقصی پیدا کرد یا سوء جریانی پیدا کرد همین فردا یا عندی‌الافتضاء به مجلس بیاید و اصلاح شود ما می‌بینیم

یک قانونی به عنوان موقتی نوشته شده است و چون سیر قانونی کامل پیدا نکرده امروز با یک نظر اهمیتی تلقی نمی‌شود و در خصوص قوانین عدلیه که اهمیت فوق‌العاده دارد بنده تصور می‌کنم که حتماً باید آقایان توجه بفرمایند به این که این قانون جمیع مراتب قانونی را طی کند تا این که برای مردم یک حاکمیت محضه داشته باشد و اما این که می‌گویند آقایان طراز اول باید داشته باشند بنده بر خلاف آقای حاج میرزا عبدالوهاب تصور می‌کنم که هیچ مسئله طراز از مجلس رد نشده و محل بحث است و قانون اساسی این اجازه را به ما داده است و هیچ وقت کسی نمی‌تواند این حق را از ما سلب کند مگر این که بر حسب مقتضیات وقت قانون اساسی را تغییر بدهند و با این که عقیده بنده این است که این ماده باید باشد و هیچ وقت از بین نرود ولی در عین حال نظریات آنها هم شرط صحت قوانین نیست به این معنی که قانون وقتی قانونیت دارد که به مقتضیات وقت باشد و مخالف با شرع و دیانت هم نباشد و هر وقت این اقتضاء و شرایط در او جمع بود آن قانون قانونیت دارد و البته هر وقت نداشت با وجود تصدیق طراز اول آن قانون قانونیت ندارد. ولی با این وصف چون قانون عدلیه را خیلی محل توجه و دقت می‌دانم تصور می‌کنم که اگر امروز طراز اول معین شده بود و در تحت نظر آنها این قضیه حل می‌شد خیلی بهتر بود.

منحیر- توضیحاتی که آقای بهبهانی دادند یک قسمت از آن همان اعتراضی بود آقای حاج میرزا عبدالوهاب کردند. فرمودند که آقایان وکلا باید در قانون نظر کنند. البته خودشان تصدیق می‌فرمایند که یک کمیسیونی که هر کدام از اعضایش هفتاد رأی دارند. اینها وقتی که نظر می‌کنند برای این که آن اشخاص مورد اعتماد مجلس هستند البته باید به نظر آنها هم اعتماد کرد ولی به تناسب اینکه قانون اصله خیلی مبسوط است و دارای چهار پنجهزار ماده است سوابق مجلس به واسطه رفع احتیاجات قویه که مملکت به این قوانین دارد این طور مقرر داشته است که تأخیر نشود و حوائج به این ترتیب مرتفع گردد و به علاوه پارسال آقایان در نظر دارند که راجع به قوانین مربوطه به وزارت مالیه همین اختیار از طرف مجلس به وزیر مالیه داده شد که نظاماتی را که خودش وضع می‌کند به موقع اجرا بگذارد و در اینجا هم آقایان گویا اشتباه کرده‌اند در اینجا در این خبر نوشته شده است. قوانینی که در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی تصویب می‌شود وزیر عدلیه مجاز است که موقتاً اجرا بکند و این مسئله به موجب هیچ اصلی مخالف با وظایف مجلس نیست نمی‌فهمم مخالف چیست؟ اگر می‌فرمایند مجلس قانون را باید وضع کند همین قانون است که مجلس وضع می‌کند و به وزیری که مسئول است اختیار می‌دهد قوانینی را که کمیسیون عدلیه تصویب می‌کند به موقع اجرا بگذارد. برای این که حس اثر و سوء اثر آن را در مملکت ملاحظه کنند و بعد از تجربه به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و این مسئله منافای با حقوق مجلس شورای ملی یا سلب حق یک نماینده نیست. این مسئله حقی را به وزیر می‌دهد و سوابق عدیده هم در این مملکت مشروعیت این مسئله را می‌رساند مضافاً به این که مخالف با هیچ اصل از قانون هم نیست و اما این که راجع به اشخاص صلاحیت‌دار فرمودند لازم می‌دانم توجه آقایان را جلب کنم به این که آن مقاماتی که این لوایح را پیشنهاد می‌کنند البته با دقت‌های لازمه و به وسیله اشخاص صلاحیت‌دار و متخصصین که مورد اعتماد عامه هستند تقدیم می‌کنند. حالا بنده اگرچه نمی‌خواهم وارد در این قضیه بشوم ولی در عدلیه اشخاصی که در این لوایح مطالعه و دقت میکنند از قبیل آقای حاج سید نصرالله و آقا سید محمد قمی می‌باشند که طرف اعتماد عامه هستند و در آنجا درش ملاحظه می‌شود و با رعایت مقتضیات و جهات لازمه تقسیم می‌شود و در کمیسیون هم یک افرادی هستند مثل حضرت آقای مشیرالدوله و سایر آقایان دیگر هم که هم علم و اطلاع دارند و هم رعایت مقتضیات را می‌کنند و بالاخره هیچ یک از آن جهاتی را که آقای بهبهانی در نظر دارند فروگذار نمی‌شود. قسمت دیگر راجع به این که فرمودند

+++

قوانین موقتی که در مملکت عملی شده در مجلس وضع شده است بنده تصور می‌کنم در این باب توجهی نفرموده‌اند زیرا غالب قوانین عدلیه نتیجه اجازه مجلس شورای ملی است که به دولت و وزراء امر شده است قوانینی که در کمیسیون عدلیه تصویب می‌شود به موقع اجرا بگذارند. بنده جز قانون ثبت اسناد قانون دیگری را ندیدم که از مجلس گذشته باشد و این اقدام هم برای رعایت احتیاج به فوریت و فوریت احتیاج بوده که در سوابق دوره‌های پارلمانی این مسئله محقق شده است چنان که در قسمت اول توضیحات خودم در جواب آقای حاج میرزا عبدالوهاب عرض کردم که این مسئله فائده مهمی دارد و بالاخره این مملکت یا این سوابق مبسوطه که در مسائل قضایی داشته است هر قدر در قوانین ترتیبی شود که در ضمن عمل حسن نتیجه و ضرر آن معلوم شود البته بهتر است و ما طرفدار امنیت قضایی هستیم و باید طرفدار این اصل بشویم که قوانین پس از امتحان و ثبوت این که حسن نتیجه دارد پیشنهاد مجلس بشود و اما این که فرمودند قانونی که موقت است در خارج از محیط مجلس شورای ملی به عظمت و احترام تلقی نمی‌شود. بنده این را نفهمیدم. یک قانونی که منشأ آن اعطای اختیار از طرف مجلس به کمیسیون است و منشأ آن اعطای اختیار از مجلس به دولت است چطور می‌شود محترم نباشد. بنده این قانون و هر قانون دیگری که از طرف مجلس وضع شود آن را متیع و لازماً اجرا می‌دانم و هیچ کس نمی‌تواند چیزی را که منشأ آن تصمیم و اجازه صادره از مجلس است آن را محترم نداند و تصور می‌کنم این مملکت ما یک محیطی نباشد که نتایج حاصله از تصمیمات مجلس شورای ملی را محترم نشمارد و نمی‌دانم این اعتراض از چه نقطه نظر بود. قسمت دیگر که مربوط است به طراز چنان که بنده عرض کردم مخلوط کردن این دو موضوع با هم صحیح نیست مضافاً به این که خود آقای بهبهانی فرمودند که اگر حوائج مملکتی اقتضا کند قانونی وضع شود و به عللی نظر هیئت نظار در آن اعمال نشده باشد باز آن قانون عملی است به علاوه خواستم عرض کنم که این سلسله از قوانین محتاج به امعان نظر هیئت نظار نیست و ممکن است بعد هم در خدمت آقای مدرس یا سایر آقایان دیگر صحبت کنم. در هر صورت بنده باز تذکر می‌دهم آقایان را به توضیحات که آقای طهرانی دادند که احتیاجات این مملکت به قدری شدید است و مشکلاتی که به واسطه عدم وضع قانون الان در جریان است به درجه اهمیت دارد که باید با تمام مساعی این لایحه را تصویب کرد زیرا تأخیر این لایحه در حکم تقویت آن مشکلات در مملکت است.

نایب رئیس- آقای کارزونی (اجازه)

آقا میرزا علی کارزونی- بنده هم مثل همه آقایان موافقم که بایستی قانون هر چه زودتر اعلان و به موقع اجرا گذارده شود و در این موضوع ابداً کسی مخالف نیست و خواهش می‌کنم از آقایانی که موافق هستند این مسئله را وسیله پیشرفت عقیده خودشان قرار ندهند زیرا در این موضوع کسی مخالف نیست که ایشان مدافع باشند همه موافقند که قانون جزا در اسرع وقت باید نوشته شود لیکن حرف در این این است که قانون جزا را کی باید بنویسد و چطور بایستی نوشته شود و کی صلاحیت دارد از برای نوشتن قانون جزا.

اساساً یک مطلب مسلمی است که حقیقتاً هر چه بیشتر حرف زده شود بهتر است به عقیده من و اساساً وضع قانون را گفته‌اند از مختصات مجلس است نه اجازه وضع قانون و اگر این طور بود که مجلس شورای ملی اجازه وضع قانون بدهد پس به سایر کمیسیون‌ها هم اجازه می‌داد که آنها قانون بنویسند و خودشان می‌رفتند تابستان در شمیران خوش می‌گذراندند و زمستان هم می‌رفتند زیر کرسی و هیچ محتاج بتشکیل جلسه نبود فقط هفته یک جلسه تشکیل می‌شد و به هر یک از کمیسیون‌ها اجازه داده می‌شد که قانون بنویسند. ولی این طور نیست مقصود از جمله (وضع قانون یا مجلس است) این است که خود مجلس قانون را وضع کند به کمیسیون و همانطوری که قانون معین کرده است نمی‌شود یک حق مسلمی را از مجلس شورای ملی سلب کرد و یک قسمت از عرایض بنده هم در خصوص موقت است این کلمه موقت هم می‌بینم کم‌کم از معنی حقیقی خودش منحرف شده. موقت است یعنی مؤبد است. قانون موقتی یعنی مؤبدی تمام قوانین که ما داریم موقتی است و حقیقتاً مؤبدی نیست حتی قانون اساسی هم مؤبد نیست زیرا ممکن است پس از یکی دو سال یا یکی دو دوره دیگر درش تجدید بشود. زیرا در این قانون که قید نشده برای یک سال یا دو سال یا ده سال است اگر سال و زمانش قید نشده بود آن وقت قانون موقت بود ولی سال که قید نشده و همین قدر کلمه موقت را درش گذاشته‌اند. این برای چه چیز است؟ برای اغفال است؟ خیر همدیگر را چرا اغفال بکنیم؟ بگوئید یک قانونی در تحت این عنوان می‌خواهیم بگذاریم به علاوه بنده عرض می‌کنم که قانون جزا را باید متخصصین بنویسند نه من بنویسم از این نقطه نظر که مثلاً در تجارت بعضی از مواد جزا یا قضا اعمال می‌شود. خیر یک متخصصینی باید این قانون را بنویسند و آقایان هم متخصصین را بهتر از من می‌شناسند.

آیا این می‌شود که من به یک عده اجازه بدهم که شما وکیل هستید از طرف من که یک قانونی وضع کنید و یک کلمه موقت درش بگذارید لیکن آن را به طور مؤبد در موقع عمل بگذارید. آن وقت تمام حیثیات دینی ملی تجاری اقتصادی را بدهند به این عده که هر چه می‌خواهند بکنند و فقط قانع شوند به یک کلماتی که حیاتی است. حیاتی را برای تلگراف می‌گویند برای قانون علائم صنعتی و سجل احوال گفتند البته همه‌اش حیاتی است کدامش مهمانی است؟ بنده عرض می‌کنم که این قانون قانونیت ندارد چرا؟ برای این که اولاً مجلس شورای ملی که وضع قانون از مختصات او است این را وضع نکرده است. آنهایی که متخصص هستند وضع نکرده‌اند شاید در کمیسیون سه چهار نفر مردمان بصیر یا نسبتاً متخصص هست لیکن خود آقایان هم گمان نمی‌کنم که ادعا کنند که تمام افراد کمیسیون متخصص و دارای اطلاع هستند. آن وقت یک همچو کمیسیونی بیاید و یک قانون جزا و قضایی را برای یک ملتی که تمام حیثیات دینیتی او بسته باین قانون است وضع کنند. هیچ همچو چیزی نمی‌شود. آن وقت هم در این کمیسیون عدلیه گاهی هشت نفر گاهی نه نفر می‌آیند و اکثریتشان هم پنج یا چهار نفر است و آن وقت این چهار پنج نفر بیایند یک قانونی برای عدلیه بنویسند آن هم عدلیه که باید مجری تمام احکام و قوانین باشد خاصه برای مملکتی که افرادش حاضرند تمام حیثیات خود را در مقابل عقیده اسلامی خود ایثار کنند و هیچ وقت نمی‌توانند از این عقیده منصرف شوند. قدری باید موهومات را کنار گذارد و آشکارتر حرف زد. حقیقتاً باید دید که موکلین ما را برای چه انتخاب می‌کنند؟ برای این که دو چیز را برای آنها حفظ کنیم اول دیانتشان دیانت عبارت از یک عده قوانین محمدی (ص) است که باید در مملکت اجرا شود. بنده علنی می‌گویم در مملکت اسلامی که قوانین محمدی (ص) اجرا نمی‌شود آن مملکت را مملکت اسلامی نمی‌گویند. ولی اگر قوانین محمدی ص در بمبئی اجرا شد آنجا مملکت اسلامی است. اشخاصی باید قوانین بنویسند هم در امور شرعی و هم در امور سیاسی متخصص باشند و هم نسبت به وضعیات حاضره آشنا باشند.

در هر صورت بنده مخالفم که به فوریت اجازه داده شود که شش یا دوازده نفر یک قانونی را صحیح یا سقیم بنویسند و به موقع اجرا گذارده شود.

بنده عرض می‌کنم پس به اشخاص متخصص که در خارج هستند مراجعه کنید و ببینید کی‌ها هستند که تخصص داشته و از عهده این کار بر می‌آیند. اگر می‌توانید حقی را که به شما داده شده به دیگران منتقل کنید به آنها اجازه بدهید قانون وضع کنند. به علاوه قانون را می‌نویسیم و می‌فرستیم به عدلیه که حالش بر ما معلوم است. یک عده قضات دارد که همه از جوانان تازه از مدرسه بیرون آمده هستند و معلوماتشان هم خیلی خوب است حالا معلوماتشان چیست چه عرض کنم؟ بعد دو سه نفر از این قضات (که از جوان‌های خوب هستند) دیدم که درباره دزد حکم کرده بودند ده روز باید حبس شود گفتم به چه قاعده و از روی چه نظر این حکم را کردید گفتند خلاف وجدان است که زیاده از این مجازات معین بشود. بنده خودم مبتلا هستم و می‌دانم چه خبر است ولی می‌خواستم عرض کنم مگر ملت ما یک ملت بی‌قانونی بود؟ ما خودمان قوانین داشتیم آن قوانین را که نسخ کرده؟ که حالا برای دزد باید پنج روز حبس معین کنند یا شخص قاتل را فلان طور مجازات کنند

آیا ما خودمان هیچ قانونی نداشتیم ما نابود بودیم حالا بود شدیم؟ چرا این طور گفته می‌شود؟ آن قانون ما را کی نسخ کرده که حالا می‌گویند دزد یا قاتل بدون تعیین تکلیف راه می‌روند خودشان این طور میل دارند می‌خواهید من هزار تا خلاف قانونشان بدهم. خودشان نمی‌خواهند مطابق قانون رفتار کنند عقیده بنده این است که اجازه دادن به چند نفر در این موقع خلاف قانون است و نباید چنین اجازه داده شود.

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است.

نایب رئیس- با کافی بودن مذاکرات مخالفی نیست؟

دستغیب- بنده مخالفم.

نایب رئیس- دلایل خودتان را اظهار کنید.

دستغیب- چون در اصل موضوع نمی‌شود داخل شد. می‌فرمایند مذاکرات کافی است. چطور کافی است. این مسئله جزئی نیست که به حرف زدن دو سه نفر مذاکرات کافی باشد. بنده دلایلی دارم و باید عرض کنم که

+++

اولاً این مسئله از از وظیفه مجلس خارج است و همان طور که آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند غلط است به یک عده اجازه بدهیم که آنها بنشینند و قانون وضع کنند و وقتی هم که می‌خواهیم دلائل این مسئله را ذکر بکنیم فوری گفته می‌شود مذاکرات کافی لااقل بگذارید آن کسی که در اقلیت است عقاید خودش را اظهار کرده و حرف‌هایش را بزند شاید دو نفر از مخالفینش موافق یا بالعکس از موافقین مخالف شوند و الا اگر این طور نباشد غلط است. هر قانونی که به مجلس می‌آید فوری می‌گویند مذاکرات

کافی است بدون این که کسی حرف زده باشد این طور که نمی‌شود. اگر این طور است خوب است چند نفر در آن اطاق بروند و عقاید خودشان را اظهار کنند و الا نمی‌شود در یک لایحه که دو سه نفر حرف نزده بگویند مذاکرات کافی است.

نایب رئیس- رأی گرفته می‌شود به کفایت مذاکرات. آقایانی که مذاکرات را کافی می‌دانند قیام فرمایند. (عده قلیلی برخاستند)

نایب رئیس- معلوم می‌شود مذاکرات کافی نیست.

آقای یاسایی

(اجازه)

یاسایی- بنده نه از نقطه نظر این که عضو کمیسیون عدلیه هستم یا یک وقتی از قضات عرفی این مملکت بوده‌ام موافق با این قانون هستم. خیر از این نقطه نظر نیست البته آقایان احتیاجات مملکت را به قانون مخصوصاً قوانین راجع به عدلیه به خوبی می‌دانند و تصدیق دارند نه در طرف دو سال دوره مجلس با این که یک قسمت از اوقات مجلس صرف گذراندن اعتبارنامه‌ها و تعارف و شناسایی وکلا؟ با یکدیگر می‌شود نمی‌توان قانونی که فوریت و ضرورت دارد گذراند. همان طوری که مخبر محترم آقای شریعت‌زاده فرمودند قانون عدلیه الان دارای چهار پنج هزار مواد دیگر و بنده مخصوصاً می‌خواهم به آقایانی که با جنبه‌های مخصوص با این راپورت مخالفت می‌کنند تذکر بدهم که به عقیده بنده از نقطه نظر سیاست خارجی و حفظ شئون اسلامیت لازم است در گذراندن این راپورت تسریع کنیم. زیرا استقلال و حفظ شئون خارجی ما مربوط است به این که این راپورت زودتر تصویب شود...

محمد هاشم میرزا (شیخ رئیس)- گذراندن این راپورت ابداً مربوط به استقلال ما نیست.

یاسایی- بنده عرض می‌کنم ما باید محاکمات وزارت خارجه را ملغی کنیم بالاخره کارگذاری‌ها را لغو نمائیم و این مقصود بنده و همه آقایان است.

آقا میرزا سید احمد بهبهانی- موادش را بنویسید و بیاورید به مجلس.

یاسایی- و بالاخره آقایان تصدیق می‌فرمایند که یک سلسله قوانینی تهیه شده و وقت مجلس پنجم هم کافی نیست که آن مواد در اینجا مورد مذاکره و در تحت دو شور درآید و باین ترتیب از مجلس بگذرد. الان چهارصد و پنجاه ماده قانون تجارت در کمیسیون عدلیه مطرح است و اگر همین مواد به مجلس بیاید و بخواهد دو شور بشود و بگذرد عمر مجلس به همین مواد کفایت نخواهد کرد. حتی بنده عقیده‌ام این است که غیر از لوایحی که مربوط به کمیسیون قوانین مالیه و بودجه و کمیسیون خارجه است سایر چیزها هم ضرری ندارد که به کمیسیون‌های خودشان اجازه تصویب داده شود اینجا گفته شد که وکلا وکیل در توکیل نیستند و مجلس نمی‌تواند به یک عده اجازه بدهد که بروند و قانون وضع کنند. به عقیده بنده وقتی مجلس اجازه داد همان در حکم قانون است و آن اجازه ولو این که به یک نفر باشد صورت قانونیت دارد و اگر مجلس به یک نفر اجازه داد که برود و قانون بنویسد آن قانون مطاع و محترم است. عمر ادوار پارلمانی کم و احتیاجات ما و مملکت به قوانین خیلی زیاد است و چنانچه عرض کردم بنده عقیده‌ام این است غیر از لوایح و راپورت‌هایی که مربوط به کمیسیون‌های خارجه و مالیه و بودجه است در سایر چیزها هم ضرری ندارد که به خود کمیسیون‌های مربوطه اجازه تصویب قانون داده شود. مثلاً اهمیتی ندارد اگر به کمیسیون داخله اجازه بدهیم که قانون سجل احوال را بگذارند یا قانون بلدیہ را جرح و تعدیل نموده به موقع اجرا گذارد تا نواقضش در ضمن عمل مریی شده و ثانیاً به مجلس بیاید و این از لحاظ تسریع و تسهیل کار خیلی بهتر است. اما این که آقای کارزونی فرمودند: کسانی که ذی‌مدخل در وضع قوانین مربوطه هستند باید تخصص داشته باشند بنده درست ملتفت نشدم که مقصود ایشان چیست. آیا مقصودشان از تخصص این است که آن اشخاص معلومات فقهی داشته باشند یا معلومات حقوقی؟ خوشبختانه این کمیسیون دارای هر دو جنبه است زیرا یک عده از آقایان اعضا مثل آقای آقا شیخ عبدالرحمن و آقای طهرانی و الموتی اطلاعات فقهیشان خیلی خوب است و عده دیگر از قبیل آقای مشیرالدوله و داور و شریعت‌زاده و خود آقای معاون وزارت عدلیه معلومات حقوقیشان خیلی خوب است. یکی خود بنده که در نتیجه عملیات چند ساله قضاوت ولو به غلط یا صحیح یک چیزهایی یاد گرفته‌ام و در این کمیسیون هستم و گمان می‌کنم اگر توجه بفرمائید تصدیق خواهید فرمود که مناسب‌ترین اعضا پارلمان برای کمیسیون عدلیه انتخاب شده‌اند فرضاً هم آن قوانین اگر بنا شود به مجلس بیاید باز در تحت نظر همین آقایان خواهد بود. حالا آقای مصدق السلطنه و شاهزاده نصرت‌الدوله نخواستند قبول عضویت کمیسیون را بکنند مسئله دیگری است ولی گمان می‌کنم همین آقایان موافقت که این اختیار به کمیسیون عدلیه داده شود...

مصدق السلطنه- بله صحیح است.

یاسایی- اینجا یک بیاناتی از طرف آقای کارزونی از نقطه نظر دیانت ایراد شد.

بنده گمان می‌کنم کسی مخالف با فرمایشات ایشان نبوده است و آن مراتب همه در جای خودش صحیح است ولی به عقیده بنده یک اصلی همیشه در نظر هست که الضرورات تبیح المحظورات و همین طور اصل لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. بنده تصدیق می‌کنم هیچ یک از قوانینی که گذشته است مخالفتی با موازین شرعی نداشته و نخواهد داشت و البته مطابق اصل لا ضرر و لا ضرار که در اسلام هست باید تسریع کرد در گذراندن این راپورت تا یک ضرری متوجه ما نشود. باز آقای کارزونی ایرادی راجع به قضات فرمودند. همه آقایان قضات مرکز مرا می‌شناسند که همه از اشخاص دانشمند و فاضل و صحیح العمل انتخاب شده‌اند و اگر اینها را ما برای قضاوت خوب ندانیم گمان ندارم دیگر کسی باشد که به جای اینها بگذاریم در ولایات هم اغلب قضات از مدارس قدیمه بیرون آمده و اطلاعات هر بی و فقهی و قضایی دارند و اطلاعاتشان جامع است. حالا اگر تک و توکی در میانه قضات باشند البته باید به مرور آن هم اصلاح شود. بنده گمان می‌کنم اگر آقایان در گذراندن این راپورت موافقت بفرمایند یک خدمت بزرگی به جامعه کرده و یک قسمت از این محبوسین بدبخت نظمیه را که اطراف آنها را نظامی گرفته و روزها برای عملگی بیرون می‌برند و به طور بدی با آنها معامله می‌کنند اولاً تکلیفشان معلوم شود. معلوم نبودن تکلیف اینها حالا برای این است که قضات چون قانونی در این باب دستشان نیست نمی‌دانند با آنها چه معامله باید کرد و دولت هم نمی‌تواند آنها را رها کند برای این که مقصرشان می‌داند در این صورت جای تردید نیست که هر چه زودتر باید تکلیف این کارها معین شود. حالا در مخالفت آقایان اگر یک نظریات مخصوص در کار باشد چه عرض کنم ولی مطابق آن اصل اصلاح طلبانه که همه با آن موافقت باید آن لایحه هر چه زودتر بگذرد.

نایب رئیس- آقای دستغیب

(اجازه)

دستغیب- یک حرف‌هایی اینجا زده می‌شود از قبیل احتیاجات مملکتی و مسئله حیاتی و مماتی که به فرموده آقای کارزونی گمان می‌کنم اینجا یک عبارتی باشد که هیچ کس با آنها مخالف نیست مملکت البته هر چه زودتر رو به تمدن سیر کند و ترقی نماید البته در جامعه هیچ کس مخالف با این ترتیبات نیست بدیهی است مملکت باید راه شوسه راه‌آهن پیدا کند و رو به ترقی برود و کسی هم مخالفتی ندارد. ولی به عقیده بنده مسئله مربوط به این موضوع نیست. بلکه راجع به این است که آیا می‌شود اختیار تام به یک عده اشخاص که عده آنها از دوازده نفر بیشتر نیست (و گاهی هم پنج شش نفر از این عده نمی‌آید) داد که این هفت هشت نفر بنشینند و برای مملکت قانون وضع کنند با این که مواد این قانون باید به مجلس آمده و از آنجا بگذرد. موضوع سر این مسئله است اینجا گفته شد قضات ما خوند البته کسی مخالف نیست. آقای شریعت‌زاده در ضمن فرمایشات فرمودند که اعضای کمیسیون همه عالماند البته هیچکس نمی‌گوید که آقای مشیرالدوله عالم، فاضل، امین و بصیر به قانون نیستند اما مسئله بر سر این است که آیا می‌شود اختیار تام به یک عده بدهند که بروند و برای مملکت اسلامی قانون بنویسند. بنده مخالف با این مسئله هستم. آقای یاسایی در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که محاکمات وزارت خارجه باید موقوف بشود. مگر کسی مخالف است البته من و همه موافقم که محاکمات وزارت خارجه باید هر چه زودتر ملغی گردد. کلام بر سر این است که پنج شش نفر از میان صد و بیست نفر اختیار دارند که قانون

+++

برای عدلیه بنویسند. اشکال من در این است و همانطور که آقای حاج میرزا عبدالوهاب در طی عبارت فرمودند گمان نمی‌کنم موکلینی که ماها را وکیل کرده‌اند این اختیار را به ما داده باشند و ما را این طور مختار کرده باشند که به یک عده پنج شش نفری اجازه بدهیم که قانون بنویسند و بالاخره ما را وکیل در توکیل کرده باشند. فلسفه نماینده این است که وکیل موکل باشد و خودش قوانینی که لازم است وضع کند نه این که یک عده صد و ده نفری به پنج نفر اجازه داده و بگویند شما بروید برای ما قانون بنویسید فلسفه مجلس غیر از این است. حالا بنده که عضو کمیسیون عدلیه هستم یا نیستم (گرچه نیستم) مربوط به مسئله نیست و گمان ندارم این اختیار از طرف موکلین ما به ما داده شده باشد که به چند نفر اجازه قانون نوشتن بدهیم و خودمان مواد آن قانون را بنیم و ندانیم که برای ما نفع دارد یا ضرر و این مسئله با فلسفه و اصل نمایندگی درست در نمی‌آید حالا شاید در میانه این دوازده نفر چند نفر یا همه متخصص، فقیه و عالم باشند و حقوق بین‌الملل هم خوانده باشند. اما از کجا نظرش باشد مثل آقای شیخ محمدعلی طهرانی که فرمودند قاتل راست راه می‌رود و نمی‌دانند با او چه معامله کنند. از مثل آقای طهرانی بعید است که همچو فرمایشی بفرمایند. اصلاً قاتل چرا باید راه برود زیرا به موجب تمام قوانین دنیا قاتل را باید کشت پس از فلسفه: که چون قاتل راست راست راه می‌رود و کسی معترض او نیست و او را نمی‌کشند از این جهت باید به پنج نفر اختیار داد که قانونی برای مجازات او وضع کند و وارد نیست این مسائل را نباید مخلوط کرد راه رفتن قاتل هیچ مستلزم این نیست که به پنج نفر اختیار و اجازه بدهند که قانون وضع کنند. پس بناء علی هذا بنده عقیده‌ام این است که اولاً معلوم نیست ما همچو اختیاری را داشته باشیم به علاوه این اندازه که گفته می‌شود محتاج‌الیه است این قدرها نیست و ضرری ندارد که هشت نه ماه دیگر طول بکشد تا این قانون از مجلس بگذرد و مجلس هم که غیر از وضع قانون که کاری ندارد. اول کار و وظیفه مجلس وضع قانون است منتهی در کار باید قدری تسریع کرد به این معنی که اگر سه جلسه کم است پنج جلسه و پنج جلسه کم است شش جلسه فرار بدهید و سعی کنید تا این قانون تا این قانون در ظرف هشت نه ماه از مجلس بگذرد در حالتی که برای تمام جزئیات ما قانون داریم. برای تمام امورات و برای هر فردی از افراد که آقایان تصور می‌کنند ما قانون داریم. آقای تهرانی می‌فرمایند به واسطه این که قانون نداریم قاتل دارد بدون مجازات راه می‌رود در صورتی که ما تمام قوانین را داریم و قانون مجازات ما مرتب است. حتی در فروعات فقهی مجازات برای یک نفر آدم که یک کلمه حرف بد که مخالف حالت اجتماعی بوده زده است معین کرده‌اند. کسی مخالف نیست با این که محاکمات وزارت امور خارجه منحل شود البته باید منحل شود نهایت این که مقصود مخالفین این است که نایبستی این اجازه به پنج نفر یا دوازده نفر داده شود این فلسفه ندارد، منطق ندارد، برهان ندارد. این بود عرایض بنده کفایت کرد.

نایب رئیس- آقای آقا سید یعقوب.

(اجازه)

آقا سید یعقوب- یک مسائلی را آقای دستغیب فرمودند بنده خواستم جواب فرمایشات ایشان را به عرض آقایان برسانم. بلی در مقام صحبت ما می‌گوئیم راه در مملکت لازم است ولی در موقع گرفتن مالیات می‌گوئیم مالیات نمی‌دهیم می‌گویند باید در مملکت مجازات باشد و به مردم مجازات بدهند ولی در موقعی که می‌خواهند قانون مجازات بگذارند می‌گویند خیر. آقا به مردم ظلم می‌شود خوب آقا اینهایی که می‌فرمائید در مقام لفظ مسلم است در مقام لفظ به قدری الفاظ مشعشع داریم که در مقام اصلاحات در ظرف یک ساعت ایران را از تمام ملل متمدنه می‌گذرانیم ولی در موقع عمل می‌بینیم از هر جهت ما فقیریم فقر علمی داریم، فقر ثروتی داریم، فقر قانونی داریم. آقا مملکت ایران دارای مشروطیت شده است. دارای قانون اساسی شده است و ملت برای وضع قوانین و اداره کردن مملکت وکلایی روانه کرده‌اند تا این که قانون برای اداره زندگانشان وضع کنند دنیا به هم مرتبط شده‌است بلی یک وقت ایران خبر از دنیا نداشت ولی امروز دنیا مثل رشته زنجیر به هم ارتباط پیدا کرده است. بعد از آن که ما به هم اینطور ارتباط داشتیم ناچاریم قوانین مرتبط با دنیا که بتوانیم با آن‌ها معاشرت کنیم وضع بکنیم.

دستغیب- نه ناچار نیستیم. ما قانون آسمانی داریم.

آقا سید یعقوب- صبر کنید آقا این قدر شما حرف زدید من گوش دادم و نگاهم به چشم مبارکتان بود. اولاً این دوازده نفری که معین می‌شود درب کمیسیون بسته نشده است.

دستغیب- بسته است.

آقا سید یعقوب- ماها که نماینده هستیم موادی که در نظر داریم ممکن است برویم به کمیسیون و نظریات خودمان را به آنجا بگوئیم و موادی که از آنجا می‌گذرد می‌توانیم ببینیم. مخالف با قوانین اسلام است یا موافق و مطابق معمول دوره چهارم قانون را چاپ می‌کنند و منتشر می‌کنند پیش آقایان علماء پیش علماء حقوق و غیره منتشر می‌کنند بنده از شما سؤال می‌کنم این لایحه را که دولت به مجلس داده دقت فرموده‌اید؟ وقتی که ما حاضر نیستیم نظریات خودمان را نسبت به قوانین موضوعه اظهار کنیم

مربوط به کسی نیست. قانون را چاپ می‌کنند آن وقت ممکن است نظریه خودتان را در حاشیه آن قانون بنویسید بفرستید به کمیسیون کمیسیون که عناد ندارد مقصود این است که برای اصلاح مملکت قانون وضع و در مملکت اجرا شود. اعضاء کمیسیون که دشمن نیستند تمام نظرشان نظر اصلاحی است. یک مسئله دیگر که آقای بهبهانی اظهار کردند خواستم ایشان را متوجه کنم تمام قوانینی که از مجلس می‌گذرد موقتی است و این مسلم است این قوانین چه از مجلس و چه از کمیسیون از هر جا که بگذرد برای مملکت موقتی است و دائمی نیست چرا برای این که قوانینی که بشر برای زندگانی خودش وضع می‌کند موقتی است زیرا یک عده مصلحت را همچو دیده‌اند یا برای موقعیت خودشان یک قوانینی وضع می‌کنند یک عده دیگر می‌آیند لغو می‌کنند برای این که صلاح و صرفه آنها مقتضی آن نبوده و آن را تغییر می‌دهند. قانون آسمانی نیست که قابل تغییر نباشد هر قانونی که از مجلس و کمیسیون گذشت موقتی است مثلاً اجازه می‌دهند ده نفر بیایند و بنشینند برای شورای دولتی قانون بنویسند. معلوم است این قانون موقتی است و موقتاً اجرا می‌شود هیچ نوع بشر و مجمع بشری نمی‌تواند قانون دائمی وضع کند چرا برای این که در بهاران زاد و مرگش دردی است. زمان زندگی بنده چهل سال است چه طور می‌توانم صد سال را ببینم و قانون برای صد سال دیگر وضع کنم بنده نمی‌خواهم وارد شوم در خصوصیات مثلاً همین آقای آقا شیخ محمدعلی (چون آقای دستغیب اظهار نگرانی کردند عرض می‌کنم یکی از مدرسان مدرسه مروی بوده‌اند و کتبی در فقه به فارسی و عربی چاپ کرده‌اند همین آقای آقا شیخ عبدالرحمن که اینجا تشریف دارند از مرحوم آخوند ملا محمد کاظم و مرحوم آقای آقا سید محمدکاظم اجازه دارند همین آقایان از فقها هستند و از حیث فقهی که شما متوجه به آن هستید آنها هم متوجه هستند و جهات سیاسی آن را هم متوجه می‌باشند با این مطالب نظریات اصلاح طلبانه ما این است که این قوانین موقتی برای آزمایش اجازه داده شود مثل دوره چهارم از کمیسیون عدلیه گذشته و به موقع اجرا گذاشته شود اگر اصلاحی داشتید ممکن است پیشنهاد کنید تا دو مرتبه تجدیدنظر کنند.

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است.

نایب رئیس- مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

نایب رئیس- دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می‌شود

(پیشنهاد آقای مدرس و آقای دامغانی به شرح ذیل قرائت شد)

بسم الله الرحمن الرحيم: پیشنهاد می‌کنم لوابی که به کمیسیون عدلیه ارجاع می‌شود بدو یک شور بشود و بعد از آن طبع و توزیع بشود میان آقایان وکلا هر کدام در مدتی که کمیسیون معین می‌نماید نظریات خود را به کمیسیون بدهد و کمیسیون با جلب نظر شور ثانی بنماید و نتیجه موقتاً به موقع اجرا گذارده شود تا مجلس به فراغت در آنها نظر نماید. مدرس

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می‌نمایم

ماده الحاقیه- پس از تقدیم لایحه دولت که مربوط به کمیسیون عدلیه است لایحه طبع و توزیع می‌شود و نمایندگان حق دارند که در کمیسیون مزبوره حاضر شوند و نظریات خود را جدیداً در روز به کمیسیون بدهند. رضا دامغانی

نجات- پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شود

(به مضمون فوق قرائت شد)

نایب رئیس- آقای مدرس

(اجازه)

مدرس- هر مسئله که در مجلس امروز می‌آید یک چیزهایی از طرفین در حدودش گفته می‌شود افراط و تفریط است این جا چند تا افراط و تفریط در این مسئله

+++

گفته شد و آلاً پیشنهاد بنده را که همه آقایان مستحضر شدند. یکی این که قانون را باید آیا مجلس بگذراند یا کسان دیگر هم می‌توانند این از بدیهیات است که مجلس باید وضع قانون کند تا مجلس نظر نکند عنوان قانونیت ندارد. این حرف را نزنید و ملاحظه کنید که اگر این مسئله گفته شود (در آن دوره هم همین چیزها گفته شد) یک اشکالاتی در آتیه تولید می‌کند که آن وقت شما نمی‌توانید از عهده برآئید قانون وقتی عنوان قانونیت پیدا می‌کند که مجلس تصویب کند مسئله در این است که اگر بنا شود بعضی یا تمام قوانین که محتاج مملکت است بیاید در مجلس و درش نظریاتی بشود غالباً تجربه کرده‌ایم خرابتر می‌شود طول هم می‌کشد البته باید به تدریج کارها را کرد امتحان هم کرد عیب و نواقصش را هم فهمید و رفع کرد تا یک چیز خوبی بشود و مردم عمل بکنند از جمله قانون عدلیه است که می‌دانند قوانینی گذشته است از کمیسیون عدلیه بعدش هم آقای مشیرالدوله که تشریف دارند در آن قانون محاکمات خودم هم بودم ماده بود که هشت مرتبه که در کمیسیون مطرح مذاکره شد این است که بنده این پیشنهاد را کردم اما مسئله علما و طراز البته از بدیهیات است ولی همان طور که گفتند نباید خلط با مبحث دیگر کرد این پیشنهادی که بنده کردم مهماً ممکن مترصدم که هر چه زودتر نظریه آقایان که آن سه جهت منظور نظر آقایان است. ملحوظ شود یکی جهت دیانتی. یکی سیاست. یکی مقتضیات لهذا می‌گویم کمیسیونی که این قانون می‌رود آنجا یک شور در آن بکنند با نظریات خودش آن را طبع و توزیع کند. هر مدتی که معین می‌کند بر حسب مواد آن قانون ده روز بیست روز یا کم یا زیاد آن را طبع و توزیع کند و به آقایان وکلاء بدهند نظریات خودشان را بنویسند که در شور ثانی از نظریات آقایان وکلاء اعضاء کمیسیون مستحضر شده و با جلب نظریات آنها یک قانون موقتی مثل سایر قوانین بنویسند و موقتاً اجراء کنند تا عیب و نقص آن در موقع عمل معلوم شود تا مجلس در موقع از عمل فراغتی پیدا کند و انشاءالله الرحمن با فراغت بال و با فراغت خاطر و خیال مجلس یک قوانینی که محتاج البته مردم است و بی‌عیب و نقص باشد وضع کند و آن قانون البته باید مجلس و نظریات آقایان وکلاء ملاحظه شود از این جهت بنده برای جمع بین نظریات همه آقایان این پیشنهاد را کردم.

مخبر- بنده اساساً با پیشنهاد حضرت آقای مدرس موافقم زیرا بالاخره منتهی می‌شود به تحصیل همان نتایجی که آقایان نمایندگان برای رفع حوائج مملکتی در نظر دارند

ولی یک مطلبی که می‌خواهم با آقای مدرس تذکر بدهم و آن این است که این خبر راجع است به این که لوابی که از طرف دولت پیشنهاد می‌شود بعد از تصویب کمیسیون دولت و مجاز است آن را اجراء کند پیشنهاد حضرتعالی بیان کیفیت رسیدگی آن را می‌کند از این نقطه نظر بنده تاضاً می‌کنم موافقت را این لایحه بشود و در کمیسیون پیشنهاد آقا عملی بشود به این معنی که...

بعضی از نمایندگان- (به طور همه‌مه) خیر رأی بگیرید.
مخبر- اینجا اشتباه نشود بنده در نظر ندارم که این مشکل قانونی پیدا نکند این پیشنهاد را اساساً قبول دارم و این مسئله راجع است به کیفیت رسیدگی خواستم عرض کنم که آیا کیفیت رسیدگی کمیسیون با این قانون بایستی تصویب بشود...
جمعی از نمایندگان- بلی بایستی صورت قانونی پیدا کند.

مخبر- بسیار خوب بنده قبول می‌کنم.
نایب رئیس- اجازه بفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود.
جمعی از نمایندگان- خیر رأی بگیرید ظهر است.
معاون وزارت عدلیه- این پیشنهادی را که آقای مخبر قبول کردند دولت هم قبول می‌کند و این ماده دوم می‌شود یا به عنوان تبصره.

نایب رئیس- یک پیشنهادی آقای عدل‌الملک کرده‌اند قرائت می‌شود
(به شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می‌کنم که پیشنهاد حضرت مدرس افزوده شود: که نمایندگان بایستی در مدت یک ماه نظریات خودشان را پس از انتشار لایحه شور شده در کمیسیون به کمیسیون بدهند و بعد از گذشتن یک ماه کمیسیون دیگر منتظر نشده شور ثانی را مستقلاً شروع می‌کند و قانون موقتی را خاتمه می‌دهد.
نایب رئیس- پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای بهبهانی رسیده است قرائت می‌شود
(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم که لوایح مرجوعه به کمیسیون عدلیه به مجلس شورای ملی ارجاع و پس از یک شور به قید فوریت تصویب شود.
نایب رئیس- آقای عدل‌الملک
(اجازه)

عدل‌الملک- اینجا اغلب اظهار نگرانی می‌کنند از اختیار دادن به جماعتی و عقیده‌شان این است که آقایان وکلاء باید در قوانین اعمال نظر کنند و پیشنهاد آقای مدرس این مسئله را تأمین می‌کند به این معنی که لایحه طبع و توزیع می‌شود و آقایان نمایندگان هر کدام نظریه دارند نظریات خودشان را به کمیسیون می‌فرستند و کمیسیون آنها را تأمین می‌کند ولی پیشنهاد ایشان مدت ندارد و مدت نامحدود بود و ما علاقه داریم که این قوانین زودتر بگذرد و مذاکراتی هم که در اینجا شد روی همین زمینه بود بنده خواستم این قسمت هم در پیشنهاد آقای مدرس اضافه شود که وقتی این لایحه منتشر شد و مدتش هم معین باشد به این معنی در ظرف مدت معینی آقایان نمایندگان نشریات و عقاید خودشان را به کمیسیون بدهند.
معاون وزارت عدلیه- در پیشنهاد آقای مدرس این نکته قید هست ممکن است یک وقت لایحه پانصد ماده باشد خود کمیسیون آن مدت را معین می‌کند آقایان نظریات خودشان را بدهند و اگر ندادند کمیسیون داخل شور دوم می‌شود.
عدل‌الملک- پس دیگر مانعی ندارد بنده مسترد می‌دارم.

نایب رئیس- آقای دامغانی
(اجازه)
شریعتمدار دامغانی- پیشنهاد بنده هم مرجعش همان پیشنهاد آقای مدرس می‌شود و بنده پیشنهاد ایشان را قبول می‌کنم.
نایب رئیس- آقای بهبهانی
(اجازه)

بهبهانی- این پیشنهاد بنده باز راجع به همان عقیده خود بنده است.
یک نفر از نمایندگان- قرائت شود.
آقا میرزا سید احمد بهبهانی- بعضی از آقایان اظهار می‌کنند که نشنیده‌اند خوب است قرائت شود.
یک نفر از نمایندگان- لازم نیست توضیح بدهید.
بهبهانی- توضیح بنده این است که بنده پیشنهاد کردم لوایحی که به کمیسیون عدلیه ارجاع می‌شود آن لوایح بیاید به مجلس با یک شور به قید فوریت رأی گرفته شود.
یک نفر از نمایندگان- به فوریت آن رأی داده شده.

بهبهانی- خوب شما مخالفید باشید ولی بنده از روی قانون اساسی تصور می‌کنم که ما حق نداریم این رأی را بدهیم به جهت این که اصل دوم قانون اساسی می‌نویسد: مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند.

اصل شانزدهم می‌گوید باید کلیه قوانینی که برای تشدید میانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه‌ها لازم است باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد این یکی از مواد قانون اساسی است که می‌گوید باید قوانین را خود مجلس شورای ملی تصویب کند و این مطلب هم خارج از این که عنوان نیست یا یکی از مسائل مربوط به وزارتخانه‌ها است یا راجع به انتظام امور مملکتی و یکس از موارد قانون‌گذاری است هر چه باشد باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد. کمیسیون حق ندارد به تنهایی این قانون را وضع نماید و اما این که گفته می‌شود سابقه این طور بوده است اگر آقایان باشد در این امر مداره شد بالاخره رأی گرفته شد اموری که سابقه شده و بر خلاف نظامنامه است و قانونیت ندارد و جاری نخواهد بود بنابراین تصور می‌کنم سابقه را هم نمی‌شود رسمی گرفت و عملی کرد و به موجب این ماده هم مجلس باید در امور سیاسی و معاشی مملکت و وزارتخانه‌ها نظر داشته باشد بنابراین باید به مجلس بیاید.

نایب رئیس- رأی می‌گیریم به پیشنهاد آقای بهبهانی آقایانی که موافقند قیام فرمایند.
(عده قلیلی قیام نمودند)
نایب رئیس- تصویب نشد. رأی می‌گیریم به اصل ماده و تبصره که اضافه شده.

یاسایی- بنده پیشنهادی دارم
(تسلیم و به شرح ذیل قرائت شد)
نایب رئیس- آقای یاسایی

(اجازه)

یاسایی- چون می‌خواهم اختیار بدهم به کمیسیون عدلیه که این قانون را بگذارند سابقه هم دارد قوانین از کمیسیون عدلیه گذشته و اجرا هم شده حالا اگر بخواهیم مثلاً یکی از نمایندگان قانون محاکمه وزراء را پیشنهاد کند و مجلس تصویب نماید البته بدیهی است گذراندن آن قانون در مجلس طول نخواهد کشید. به عقیده بنده از طرف دیگر نمی‌شود حق پیشنهاد را از وکلا سلب کرد و می‌توانند طرح‌های قانونی پیشنهاد کنند بنابراین بنده عقیده‌ام این است و اشکال هم ندارد که طرح‌هایی هم که از طرف آقایان وکلا راجع به این موضوعات و اصلاحات قوانین

+++

عدلیه پیشنهاد می‌شود در آنها هم کمیسیون عدلیه نظر کند.

نایب رئیس- رأی می‌گیریم پیشنهاد آقای یاسایی آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس- تصویب نشد. رأی می‌گیریم به اصل ماده. قرائت می‌شود

(به شرح آتی قرائت شد)

ماده واحده- وزیر عدلیه مجاز است کلیه قوانین را که در دوره پنجم تقنینیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا می‌نماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود تکمیل و ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

تبصره- لوایحی که به کمیسیون عدلیه ارجاع می‌شود بدو یک شور بشود و بعد از آن طبع و توزیع شود میانه آقایان وکلا هر کدام در مدتی که کمیسیون معین می‌نماید نظریات خود را به کمیسیون بدهند و کمیسیون با جلب نظریات شور ثانی بنماید و نتیجه موقتاً به موقع اجرا گذارده شود تا مجلس به فراغت در آنها نظر نماید.

مدرس- بنده یک اصلاح عبارتی است که می‌خواهم عرض کنم به عقیده بنده باید به جای لفظ قوانین لوایح نوشت عنوان قوانین در پیشنهاد صحیح نیست.

یک نفر از نمایندگان- لوایح قانونی نوشته شود.

مخبر- بنده قبول می‌کنم این اصلاح را.

معاون وزارت عدلیه- آن قسمتی که به عنوان تبصره اضافه شده است باید در آن یک اصلاح عبارتی بشود و آقای مخبر مشغول اصلاح هستند.

نایب رئیس- آقای ضیاءالواعظین

(اجازه)

ضیاءالواعظین- بنده در این تبصره یک اشکالی می‌بینم و نمی‌دانم...

نایب رئیس- مذاکره در تبصره ختم شده است.

ضیاءالواعظین- فقط یک سؤال در تصریح موضوع است بنده می‌خواهم عرض کنم نظریات نمایندگان که به کمیسیون می‌رسد چه قسم نظریاتی باید در آن بنمایند آیا کمیسیون اگر رد کند مختار است یا خیر به نظر پیشنهادی در آن نظر می‌کند اگر نظر پیشنهادی کمیسیون به آن می‌کند صحیح است و بنده با نظر پیشنهادی موافقم و قبول می‌کنم.

یک نفر از نمایندگان- نظر پیشنهادی است.

نایب رئیس- آقای شیخ‌الرئیس

(اجازه)

بعضی از نمایندگان- رأی بگیرید.

محمدهاشم میرزا شیخ‌الرئیس- چون این سؤال را کردند بنده هم ناچارم عرایضی عرض بکنم اول مطلب ساده بود این اشکال را که آقای ضیاءالواعظین کردند اسباب سوءظن شد در آنجا نوشته یا در نظر گرفتن آراء و عقاید نمایندگان ما هم این طور رأی می‌دهیم نه این که کمیسیون بخواهد همه نظریات آقایان را رد کند.

نایب رئیس- اصلاحی که در ماده و تبصره شده است قرائت می‌شود

(به شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده- وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که در دوره پنجم تقنینیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا می‌نماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی به موقع اجراء گذاشته شود تکمیل و ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

تبصره- لوایح مزبوره فوق در کمیسیون عدلیه مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد کمیسیون مدتی را معین خواهد کرد که نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه به کمیسیون بدهند و شور دوم پس از انقضای مدتی که معین شده است به عمل خواهد آمد.

مدرس- اجازه می‌فرمائید سطر آخر پیشنهاد بنده را که موقتاً بشود به کلی انداخته‌اند.

مخبر- بنده قبول می‌کنم ولی موقتاً در اصل ماده هم هست.

مدرس- بسیار خوب.

نایب رئیس- رأی می‌گیریم به ماده با اضافه این تبصره آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس- تصویب شد. آقای تدین پیشنهاد نموده‌اند جلسه ختم شود.

بعضی از نمایندگان- صحیح است.

(جمعی از نمایندگان حرکت کردند و از مجلس خارج شدند)

نایب رئیس- بگذارید دستور معین شود جلسه آتیه روز سه‌شنبه سه ساعت و نیم به ظهر دستور بقیه دستور امروز است.

آقای عزالممالک

(اجازه)

حاج عزالممالک- بنده می‌خواستم عرض کنم... عجب آقایان چرا این طور هستند؟! تا رئیس بلند نشده چرا آقایان خارج می‌شوند?!!

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
نایب رئیس مجلس شورای ملی
سپه‌ام‌السلطان
منشی- علی اقبال‌الممالک
منشی- معظم‌السلطان
+++